سعید خانی، تهیه‌کنندهٔ «رها» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

رها، حرفش حذف شدن طبقه متوسط است

کمدی می‌سازم تا هزینهٔ ملودرام ساختن را دربیاورم

محمدحسین سلطانی
خبرنگار

سعید خانی از معدود تهیه‌کنندگانی است که شروع فعالیتش دقیقاً از نقطه صفر سینما آغاز شد. او از حضور در تیم‌های تولید و تهیه و حتی تدارکات کار را آغاز کرد و ذره‌ذره خودش را بالا کشید تا وارد چرخه تهیه‌کنندگی آثار بلند سینمایی شد. شاید همین برخاستن از کف سینما باعث شد، خانی به آدم‌هایی شبیه به خودش بها بدهد و بخش مهمی از آثاری که تهیه‌کننده آن بوده را به فیلم‌اولی‌ها اختصاص بدهد. با سعید خانی درباره رها و سینمایی که او سرمایه‌گذاری در آن را انتخاب کرده گفت‌وگو کردیم.

تقریباً می‌توانیم لقبتان را بگذاریم کاشف فیلم‌اولی‌ها. از همکاری با بیرقی گرفته تا حسام فرهمند...

لیپار هم بود البته.

بله لیپار با آقای ریگی و حتی تقی‌زاده در نمایش‌خانگی.

آقای تقی‌زاده پیش از آن نیز فیلم ساخته بودند، اما سه اثر بعدی‌شان با همکاری بنده بوده است.

این انتخاب چگونه صورت می‌گیرد؟ چگونه به این سمت‌وسو می‌روید و این ریسک را می‌پذیرید که با کارگردانان فیلم‌اولی کار کنید، به‌ویژه که رها هم همین‌طور است؟

ببینید، اصولاً اعتقاد دارم که جوان‌ترها، فیلم‌اولی‌ها، از انرژی و انگیزهٔ بسیار بیشتری برخوردارند. همچنین امکان و بستر شکل‌گیری گفت‌وگو میان تهیه‌کننده و ایشان بیشتر است و بهتر می‌توانند خود را با شرایط تولید سینما وفق دهند. به‌همین‌دلیل، ترجیح می‌دهم تاحدامکان با فیلم‌اولی‌ها همکاری کنم. به‌علاوه، به نظرم می‌رسد وقتی فیلم‌اولی‌ها، مانند آقای سهیل بیرقی یا آقای فرهمند، فیلم بعدی خود را می‌سازند این امر سبب می‌شود که آنان بتوانند در آینده به سینمای ایران تزریق شوند و در واقع، سینمای ایران از کارگردانان جدیدی بهره‌مند شود تا بتوانیم به‌راستی از تنوع ژانر و تنوع کارگردانی برخوردار باشیم و همان‌طور که اشاره کردید، این کار ریسک‌هایی نیز در پی دارد؛ اما من همچنان علاقه‌مندم که حتی برای سال آینده نیز بتوانم با یک فیلم‌اولی دیگر همکاری کنم.

آشنایی شما با آقای حسام فرهمند در فیلم «لیپار» اتفاق افتاد، درست است؟

خیر، آشنایی من با حسام فرهمند به سال‌ها پیش، حدود بیست‌سال قبل، در پروژهٔ فیلم «نوک برج» بازمی‌گردد. مدیر برنامه‌ریزی بودند و من در تیم تولید و تدارکات فعالیت می‌کردم و از آن زمان با یکدیگر آشنا هستیم. ایشان در این مدت به حوزهٔ تبلیغات وارد شدند و به ساخت تیزر اشتغال داشتند و آشنایی ما ادامه داشت. اما پس از مدتی، در فیلم «لیپار»، ما به‌عنوان مجری طرح در خدمتش بودیم و منتظر یک فیلمنامهٔ خوب. تا اینکه فیلمنامهٔ «رها» به‌دست‌مان رسید و کار را آغاز کردیم.

وقتی به کارنامهٔ کاری شما نگاه می‌کنیم، عملاً هیچ‌یک از آثار شبیه به دیگری نیست؛ یعنی همگی تفاوت محسوسی با یکدیگر دارند. مثلاً عجیب است که تهیه‌کننده‌ای که «لونهٔ زنبور» را ساخته، اثری مانند «رها» را نیز در کارنامهٔ خود داشته باشد. این تنوع از کجا نشئت می‌گیرد؟ چرا در چند سال اخیر، این‌قدر در فضای کاری‌تان تفاوت و تنوع وجود داشته است؟

ببینید، ازآنجاکه من از سینمای مستقل به این عرصه وارد شده‌ام، طبیعتاً تلاشم این است که بتوانم فیلم‌های کمدی و تجاری بسازم تا از محل درآمد آن‌ها، امکان ساخت فیلم‌های ملودرام و اجتماعی را فراهم آورم. به‌همین‌دلیل، هر فیلمی را که از دیدگاه من رگه‌هایی از هنر داشته باشد و به مخاطب احترام بگذارد، تولید می‌کنم. این فیلم می‌تواند در ژانر کمدی یا ملودرام باشد. طبیعتاً، سرمایه‌گذار برای فیلم کمدی همواره آسان‌تر یافت می‌شود، اما در مورد فیلم‌های اجتماعی با این معضل مواجهیم و رویکرد من نیز همواره این‌گونه بوده است. شاید در آینده به سراغ ژانرهای دیگری نیز بروم، اما از سوی دیگر، تمایلی به ساخت فیلم‌های دولتی ندارم؛ زیرا احتمالاً آن‌ها نیز متقابلاً تمایلی به همکاری با من ندارند. به همین دلیل، سعی می‌کنم فیلم کمدی بسازم تا در کنار آن بتوانم به ساخت آثار اجتماعی نیز بپردازم.

گونه‌های کمدی شما نیز کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند. برای مثال، «لونهٔ زنبور» در مقایسه با فضای اصلی جریان رایج کمدی‌سازی، یا حتی اگر بخواهیم آن را در کنار برخی آثار قرار دهیم، بسیار متفاوت است؛ و فیلم «سال گربه» که دیگر تمایزی کاملاً بنیادین را نشان می‌دهد.

نمی‌توانم با قطعیت بگویم، اما سعی من بر این است که متفاوت عمل کنم، زیرا واقعیت این است که بسیاری از آثار تکراری شده‌اند. ژانر کمدی، ژانر مهمی است؛ در همه جای جهان. اما متأسفانه، چون در کشور ما به‌خوبی به آن پرداخته نشده و گاهی به سمت طنزی نازل، شاید بتوان گفت نوعی ابتذال، یا حتی به دلیل کمبود کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس توانمند و دشواری‌های تولید، سوق یافته، این ژانر گاهی تنزل پیدا کرده است. اما واقعیت این است که ژانر مهمی است و همان‌طور که عرض کردم، در هر کاری که انجام می‌دهم، چه در سینما، چه در نمایش خانگی و چه در تئاتر، سعی من بر این است که به مخاطب احترام بگذارم. میزان موفقیتم را مخاطبان شما باید ارزیابی کنند، ولی تمام تلاشم این بوده که در آثار کمدی‌ام این احترام به مخاطب را واقعاً رعایت کنم.

و این رویکرد عمیق در فعالیت‌های چند سال اخیر شما مشهود است؛ گویی از بدنهٔ سینما برآمده‌اید. یعنی همین پرهیز از سینمای دولتی و استقلالی که پیش‌تر اشاره کردید، در کارنامهٔ کاری شما بسیار مشهود است. عملاً هر تجربه برای شما تجربه‌ای کاملاً متفاوت بوده است که آن هم گویی از همان علاقه به سینما نشئت می‌گیرد.

ببینید، من اعتقاد دارم ما که در این حرفه فعالیت می‌کنیم، دغدغهٔ فرهنگی و هنری داریم؛ وگرنه همهٔ ما، از شما که در حوزهٔ خبرنگاری فعالیت می‌کنید تا من و دیگران، اگر صرفاً به دنبال منافع تجاری بودیم، احتمالاً در حوزهٔ دیگری درآمدی بسیار بیشتر از این عرصه کسب می‌کردیم. خب، چه عاملی باعث می‌شود که ما دغدغهٔ فرهنگی داشته باشیم؟ اعتقاد دارم که نباید دچار کلیشه شویم. کلیشه در واقع به معنای «تکرار» است. به همین دلیل، برای من همیشه چالش انجام کارهای متفاوت، جذاب است. به همین جهت، فیلم کوتاهی تهیه کردم که در جشنوارهٔ فجر نامزد دریافت جایزه شد، کارگردان آن جایزه گرفت و در جشنواره‌های متعددی نیز حضور داشته است. در حوزهٔ تئاتر نیز فعالیت می‌کنم و همچنین در سینما و پخش آثار نیز حضور دارم. هم کمدی و ملودرام سینمایی می‌سازم، هم سریال تولید می‌کنم و قصد ساخت سریال کمدی را نیز دارم. یعنی سعی می‌کنم و تمام تلاشم بر این است که خود را به تکرار نیندازم. به‌علاوه، چون خودم سینما را از مراتب پایین آغاز کرده‌ام، در این ۲۴ با افراد مختلف، به‌ویژه جوانان بااستعداد بسیاری، مواجه شده‌ام. تلاش می‌کنم هم خودم را ارتقا دهم و هم چهره‌های جدیدی به سینمای ایران معرفی کنم. طبیعتاً، این نگاه باعث می‌شود که برای دوری از کلیشه‌ها تلاش کنم.

به‌تدریج به سراغ فیلم «رها» برویم. خب، یکی از مهم‌ترین حواشی جشنوارهٔ اخیر به فیلم «رها» و ماجرای «جایزهٔ ویژهٔ تماشاگران» مربوط می‌شد. «رها» با یک اختلاف بسیار کم، یکی از گزینه‌های اصلی بود. اجازه دهید خاطره‌ای نقل کنم که نشان‌دهندهٔ این حساسیت است: پس از اتمام مصاحبه‌ای با آقای میلاد صدرعاملی، ایشان از من دربارهٔ جایزهٔ تماشاگران و جایگاه «رها» در جدول آراء پرسیدند. این درحالی بود که نتایج هنوز اعلام نشده بود و نشان می‌داد که ایشان نیز به‌شدت پیگیر بودند تا «رها» جایزهٔ ویژهٔ تماشاگران را کسب کند. اختلاف آرا با فیلم «پیش‌مرگ» نیز بسیار اندک بود. اما ابهاماتی در این زمینه وجود دارد. هنوز هم این تصور وجود دارد که جایزهٔ ویژهٔ تماشاگران به‌نوعی متعلق به «رها» بود و اعطای آن به «پیش‌مرگ» بسیار عجیب به نظر می‌رسید.

دربارهٔ فیلم دیگر نمی‌توانم صحبت کنم، اما در مورد «رها» می‌توانم بگویم که واقعاً میزان مشارکت و رضایت مردم به‌شدت بالا بود. خوشبختانه، این استقبال برای خود من هم واقعاً فراتر از انتظار بود، زیرا مردم، به‌لطف خدا، به‌خوبی با فیلم ارتباط برقرار کردند. به‌نظرم، اکنون در اکران نیز مشخص است که کدام فیلم با استقبال مواجه شده است. یعنی به‌نظرم این موضوع آن‌قدر واضح است که تمایلی به صحبت زیاد دربارهٔ آن ندارم؛ همان‌طور که گفته‌اند: «آنچه عیان است، چه حاجت به بیان است» اگر ملاک، فروش فیلم باشد، مشخص است که کدام فیلم موفق‌تر بوده است و اصولاً، برای خودم هم بسیار تعجب‌آور بود که چرا فیلم جایزهٔ مردمی را دریافت نکرد؛ این هم بخشی از ماجرا بود.

نکتهٔ دیگری نیز دربارهٔ «رها» وجود دارد. بسیاری از افراد، به‌ویژه منتقدان، اظهار داشته‌اند که فیلم از نظر محتوایی ارتباطاتی با وقایع سال ۱۴۰۱ یا اتفاقات پیرامون آن دارد و به آن اشاره می‌کند. آیا این یک برداشت فرامتنی از سوی منتقدان است یا این مسئله واقعاً در نظر کارگردان و تهیه‌کننده نیز بوده است؟ چقدر برای شما اهمیت داشت که حتماً به این موضوع بپردازید؟

خیر، ما در واقع هیچ نگاهی به این مسائل نداشتیم؛ نه من، نه نویسنده و نه کارگردان. هدف اصلی ما این بود که نشان دهیم چگونه در چندسال اخیر، به‌ویژه از حدود سال ۱۳۹۸ که قیمت دلار افزایش چشمگیری یافت و شرایط اقتصادی جامعه به‌گونه‌ای رقم خورد که طبقهٔ متوسط اساساً درحال حذف‌شدن است. از نظر من، دیگر طبقهٔ متوسطی وجود ندارد و بخش قابل‌توجهی از آن به طبقهٔ ضعیف جامعه پیوسته است، درحالی‌که تنها بخش کوچکی به طبقهٔ مرفه جامعه ملحق شده‌اند. طبقهٔ ضعیف جامعه نیازهای اولیه‌ای دارد که با پیشرفت فناوری، برخی ابزارهای فناورانه نیز جزء این نیازهای اولیهٔ زندگی محسوب می‌شوند. یعنی اکنون نمی‌توان گفت که گوشی موبایل یا لپ‌تاپ جزء نیازهای اولیه نیست. همان‌قدر که نان، روغن، برنج و امثال آن، نیازهای اولیهٔ یک خانوادهٔ با حداقل امکانات زندگی است، این ابزارها نیز به الزامات و نیازهای اولیهٔ هر خانواده‌ای تبدیل شده‌اند. ما می‌خواستیم نشان دهیم که برای یک خانواده از طبقهٔ متوسط رو به پایین، که در این چندسال شکل گرفته است، چگونه نیاز به یک لپ‌تاپ می‌تواند بحران‌های عمیقی ایجاد کند. اتفاقاً هدف، ایجاد تلنگری برای طرح بحث‌های بیشتر بود. طبیعتاً مسائل اقتصادی، پس‌زمینه‌های سیاسی نیز دارد، اما مفهوم اصلی مدنظر ما اتفاقاً اقتصادی بود؛ تلنگری به جامعه باشد تا ببینیم چگونه یک وسیله، که به نیاز اولیهٔ یک خانواده تبدیل شده، می‌تواند چنین بحرانی ایجاد کند.

اگر بخواهیم «رها» را با بسیاری از آثار جشنواره مقایسه کنیم، «رها» جزء آثار برتر است؛ و شاید یکی از دلایل آن ترکیب بازیگرانش باشد؛ یعنی ترکیبی از بازیگران مشهور و بازیگرانی که کمتر شناخته شده‌اند. چگونه به این ترکیب از بازیگران دست یافتید؟

ببینید، این موضوع باز هم به همان تفکری که در ذهن دارم، بازمی‌گردد. اعتقاد دارم که اثر سینمایی به قصه و بازیگر نیاز دارد. یعنی در وهلهٔ اول، به‌نظرم اهمیت «فیلمنامه» از هر چیز دیگری بیشتر است. گاهی شاید برخی از همکاران من با یک فیلمنامهٔ متوسط، سعی می‌کنند از بازیگران بزرگ استفاده کنند؛ اما من اعتقاد دارم که ابتدا باید فیلمنامهٔ خوب را یافت و سپس بر اساس آن بازیگر انتخاب کرد. لذا، با توجه به شرایط تولید این فیلم که کاملاً در بخش خصوصی و با هزینهٔ شخصی بنده تولید شده است، طبیعتاً از همان ابتدا به کارگردان فیلم گفتم که برای نقش اصلی به بازیگری مانند آقای شهاب حسینی نیاز داریم که شناخته‌شده باشد و بتواند به‌خوبی از پس نقش برآید و هم برای نقش ثریا اما برای دیگر شخصیت‌ها، از بازیگران تئاتر استفاده کنیم. این رویکرد نیز به همان نکته‌ای بازمی‌گردد که پیش‌تر در همین مصاحبه اشاره کردم: تا هم بتوانیم تعدادی بازیگر جدید به سینمای ایران معرفی کنیم و هم به افراد بااستعدادی که سال‌ها فرصت حضور نیافته‌اند، امکان دیده شدن بدهیم و هم از نظر تولیدی، شرایط مناسبی برای ساخت فیلم فراهم آوریم. یعنی این یک موقعیت برد-برد بود؛ هم برای آن بازیگران که بیش از ۲۰ کاراکتر را شامل می‌شدند و هم برای ما به‌عنوان تهیه‌کننده.

آقای شهاب حسینی چگونه ایفای این نقش را پذیرفتند؟

ایشان آن‌قدر فیلمنامه را دوست داشتند که پس از خواندن، آن را پذیرفتند. در گفت‌وگوهایی که با آقای حسام فرهمند، کارگردان و همچنین با آقای شهاب حسینی داشتیم، ایشان علاقه‌مندی خود را به فیلمنامه ابراز کردند و به پرسش‌های پیش‌آمده پاسخ داده شد. آقای شهاب حسینی که پیش‌تر در یک تیزر تبلیغاتی با آقای فرهمند همکاری داشتند و با پروژه آشنا شده بودند و باتوجه‌به اینکه من خودم نیز به‌عنوان پخش‌کنندهٔ فیلم نقش دارم، به نیت ما پی بردند که قصد داریم یک فیلم اجتماعی و هنری بسازیم که در آن، مسائل تجاری در وهلهٔ دوم اهمیت قرار دارد. ایشان نیز نهایت همکاری را با ما داشتند.

به مسئلهٔ ساخت فیلم‌های اجتماعی بپردازیم. به‌ویژه باتوجه‌به آماری که ما استخراج کرده‌ایم، وقتی به آمار جدول فروش سال ۱۴۰۲ نگاه می‌کنیم، در میان فیلم‌های اجتماعی، تنها فیلم سینمایی «بیدن» (۱۴۰۲) حضور دارد و این فیلم نیز در جدول بیست فیلم پرفروش امسال، سهم اندکی را به خود اختصاص داده است. خب، این اقدام ریسک بزرگی محسوب می‌شود. یعنی شما به این سمت رفتید که فیلمی اجتماعی بسازید، درحالی‌که بازگشت سرمایه در این گونه آثار با چالش مواجه است. این ریسک چگونه پذیرفته شد؟ ببینید، من این دیدگاه را که سینمای اجتماعی مهم است و بسیاری نیز بر آن تأکید دارند، قبول دارم. اما وقتی در عمل و روی کاغذ، با افزایش هزینه‌هایی مانند اجارهٔ دوربین و تجهیزات مواجه می‌شویم، طبیعتاً نگرانی‌هایی ایجاد می‌شود. چه عاملی باعث شد که شما این ریسک را بپذیرید و این فیلم را بسازید؟

درهرصورت، ریسک ساخت این فیلم بالا بود. واقعاً آن را با پذیرش ریسک آغاز کردم، اما تلاش کردم با اقداماتی این ریسک را کاهش دهم. به‌عنوان‌مثال، ما نزدیک به پنج‌ماهه دورهٔ پیش‌تولید داشتیم که این دورهٔ طولانی به ما کمک کرد تا هزینه‌ها را کنترل کنیم و زمانی که تولید اصلی آغاز می‌شود، لوکیشن‌ها و سایر مقدمات آماده باشند. همچنین، همراهی کارگردان، فیلم‌بردار و سایر عوامل پشت دوربین بسیار مؤثر بود. ما عواملی را انتخاب کردیم که برایشان متن و محتوای فیلم اهمیت داشته باشد. زیرا برای بسیاری از عوامل پشت دوربین، معمولاً متن اثر اهمیت چندانی ندارد؛ آن‌ها دستمزد خود را دریافت می‌کنند و کار را انجام می‌دهند. اما در این پروژه این‌گونه نبود. واقعاً برای همهٔ عوامل، فیلم اهمیت داشت. به‌علاوه، نه‌تنها کارگردان تجربهٔ اول خود را پشت سر می‌گذاشت، بلکه طراح گریم ما نیز اولین تجربهٔ خود را داشت، صدابردار ما نیز در آن دوره کمتر پرکار بود، و طراح لباس، آقای موسوی که از دوستان من هستند، به‌واسطهٔ همکاری‌های پیشین به من کمک کردند. مدیر تولید نیز اولین تجربهٔ مستقل خود را در این جایگاه داشت. یعنی سعی کردم برای این پروژه افرادی را بیابم که باانگیزه، جوان و دارای درک درستی از مدیوم سینما باشند. درنتیجه، از نظر مالی نیز همگی نهایت همکاری را با ما داشتند. اما با همهٔ این تفاسیر، ریسک همچنان پابرجا بود که خوشبختانه باتوجه‌به اتفاقاتی که در جشنواره رخ داد و همچنین استقبال مخاطبان در حتی چند روز ابتدایی اکران، به نظرم این ریسک نتیجه داده است. اما ممکن است در آینده ابتدا یک فیلم کمدی بسازم و سپس دوباره به سراغ یک فیلم اجتماعی بروم و شاید در آن زمان، این ریسک به نتیجهٔ مطلوب نرسد. ولی طبیعتاً، به نظرم فارغ از هرگونه شعار، هر یک از ما، از شما اصحاب رسانه گرفته تا منِ تهیه‌کننده و آن مدیری که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئولیت دارد، همگی باید در راستای مسئولیت فرهنگی و اجتماعی خود بدانیم که موظف به کمک به ارتقای سینما و حمایت از گونه‌های مختلف سینمایی هستیم. زیرا در نهایت، اگر تمرکز صرفاً روی کمدی باشد، مطمئناً مخاطب آن را پس خواهد زد و این امر به متزلزل‌ترشدن سینما خواهد انجامید.

آیا خودتان نیز ایده‌هایی داشتید که با آقای حسام فرهمند در میان بگذارید؛ مثلاً در پرداخت داستان یا در خودِ فیلمنامه؟

بله، در مورد فیلمنامه بسیار بحث کردیم و فیلمنامه تغییرات زیادی داشت. پیشنهاد تغییر لحن از سوی من بود. خانم مرضیه برومند نیز که مشاور کارگردان بودند، نکات بسیار مهمی را مطرح کردند. بسیار بحث و گفت‌وگو کردیم؛ زیرا همان‌طور که عرض کردم، من تا زمانی که فیلمنامه کامل نشود، کار را شروع نمی‌کنم و دیدگاه‌ها و ملاحظات خود را مطرح می‌کنم. با کارگردان در یک فضای مناسب به گفت‌وگو می‌نشینیم و اگر به نتیجهٔ مشترک برسیم، کار را ادامه می‌دهیم. در این مورد نیز، به دلیل دوستی‌ای که با حسام (فرهمند) داشتم، گفت‌وگوها به‌خوبی شکل گرفت. برخی نکات را من مطرح می‌کردم و ایشان می‌پذیرفتند و اجرا می‌کردند؛ و در مورد برخی نکات دیگر، ایشان توضیح می‌دادند و من متقاعد می‌شدم.

یکی از شایعاتی که در مورد فیلمنامه شنیده می‌شد، مربوط به اعتیاد شخصیت آقای شهاب حسینی در فیلم بود؟

نه چنین چیزی نبود.

اگر بخواهیم به طور مصداقی‌تر صحبت کنیم، می‌توانید به برخی از تغییرات مهم فیلمنامه اشاره کنید؟

ببینید، به‌عنوان‌مثال، سعی کردیم نقش مادر در قصه پررنگ‌تر شود. در نسخهٔ اولیه، مادر در سکانس فینال (جایی که بخشش اتفاق می‌افتد) حضور نداشت یا حضورش کم‌رنگ بود؛ ما تلاش کردیم حضور او پررنگ‌تر شود. همچنین، تلاش کردیم زودتر به نقطهٔ عطف اول داستان برسیم تا شروع قصه سریع‌تر شکل بگیرد. تغییرات ازاین‌دست بسیار بودند.

این تعدد یا امکان تغییر در پایان‌بندی را نیز شاهد هستیم. یعنی در طول فیلم، لحظاتی وجود دارد که احساس می‌کنیم فیلم می‌تواند در همان نقطه به پایان برسد. به‌عنوان‌مثال، دو یا سه‌نقطه در فیلم وجود دارد که تصور می‌کردیم می‌تواند نقطهٔ پایانی فیلم باشد، اما داستان ادامه پیدا می‌کند و درنهایت، فیلم به پایانی می‌رسد که بسیار بحث‌برانگیز است. یعنی، بدون اینکه بخواهیم داستان را لو بدهیم، شاید می‌شد پایان دیگری را برای آن متصور شد یا آن را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کرد.

بله. واقعیت این است که به‌عنوان‌مثال، برخی از اعضای محترم هیئت داوران جشنواره نیز عنوان کردند که یکی از دلایل عدم نامزدی فیلم در بخش فیلمنامه، وجود همین پایان‌های متعدد یا امکان برداشت چندپایان بوده است. ولی خب، نظر ما این بود و سینما عرصهٔ همین سلایق گوناگون است. نظر جمعی نویسنده و کارگردان این بود که پایان‌بندی نهایی شاید برای مخاطب تکان‌دهنده باشد و ما نیاز داشتیم به‌تمامی پرسش‌هایی که در روند قصه برای مخاطب ایجاد می‌شود، پاسخ دهیم. وگرنه، آن شکل دیگر نیز نوعی اجرا بود. اما نهایتاً، تصمیم مشترک ما (نویسنده، کارگردان و من به‌عنوان تهیه‌کننده) و همچنین تدوینگر این بود که فیلم به این شکل نهایی اجرا و ارائه شود.

خب کمی هم درباره «جان‌سخت» حرف بزنیم. سریال «جان‌سخت» در افکار عمومی آن‌چنان که شایستهٔ یک اثر باکیفیت بود، دیده نشد. شما این ارزیابی را قبول دارید؟ به‌ویژه که به نظر می‌رسید از کیفیت مطلوب و استانداردهای حداقلی برخوردار بود و به شعور مخاطب نیز توهین نمی‌کرد.

ببینید، به نظر پلتفرم «فیلم‌نت» - البته من شخصاً به داده‌های دقیق دسترسی ندارم؛ مثلاً در مورد «رها» اطلاعات دقیقی دارم - خودِ پلتفرم از سریال «جان‌سخت» بسیار راضی است. یعنی، طبق گفتهٔ مسئولان پلتفرم، میزان تماشای سریال (واچ‌تایم) بسیار بالا بوده و با بسیاری از سریال‌های موفق خودشان برابری می‌کند و ازآنجاکه این سریال در پلتفرم‌های دیگری مانند روبیکا و سایر پلتفرم‌ها نیز بارگذاری می‌شود، آن‌ها در مجموع بسیار راضی‌اند و میزان بینندهٔ آن زیاد است. همان‌طور که عرض کردم، در مورد سریال، ما فقط آن را تولید می‌کنیم و به پلتفرم تحویل می‌دهیم؛ دیگر ارزیابی نهایی و اعلام آمار با آن‌هاست. ولی بر اساس آنچه به من منتقل کرده‌اند، خودشان از نتیجه بسیار رضایت دارند؛ خدا را شکر.

آیا پروژهٔ جدیدی در دست دارید یا قصد انجام کار جدیدی را دارید؟

ما هم‌اکنون درگیر اکران فیلم سینمایی «رها» هستیم. بله، ان‌شاءالله برای سال آینده، اگر خدا بخواهد، یک فیلمنامهٔ کمدی در دست دارم که امیدوارم بتوانم آن را تولید کنم. البته، باتوجه‌به وضعیت نامشخص فعلی، نمی‌توان با قطعیت برنامه‌ریزی کرد، اما ان‌شاءالله سال آینده با اثری جدید در خدمت شما و مخاطبان خواهیم بود.